

1977-1980 2
 Biography 3
 Death (and more by George) 4
 Discography 11
 Politics of anger 13
 Live shows 14
 Tribute to a rock 14
 More gigs 15
 The Party 16



The Sex Pistols

By Billie Joe Armstrong

هیچ چیز طرح‌ریزی شده‌ای در آن نبود. به نظر من جایگزین کردن گلن متلاک^۱ با سید ویشپس^۲ الزاماً کار اشتباهی نبود. متلاک باحال بود ولی سید هرچه باحالی در پانک راک بود را داشت. واگنری لاغر سردنی که یک فن کلوز پر خورده و رفتار دانسته یک‌جورهایی یک کاراکتری مثل الویس یا جیمز دین. هیچ چیز رمانتیک در معتاد هروئین بودن وجود ندارد. توانایی نواختن سازش را داشت ولی خرابتر از آن بود که بتواند.

هیچ‌هالی که لاینون جوانی سال‌های ۶۶ و ۶۷ نوشت خیلی مناسب اتفاقاتی است که حالا در این است. آن‌ها یک تصویر زیشت نقلی کردند. هیچ‌کس وجود همین حرف‌هایی که زدند را نداشت. حرف زدن درباره کسی که فقط چنین می‌کند، تنها کسی که حرفی مشابه آن زده باب دین بود، حتی دین هم این قدر رگ و بی‌برده نبود.

اولین بار که موسیقی‌شان را شنیدم چهارده یا پانزده سالم بود و خیلی درگیر هوی متال و هارد راک بودم. فکر می‌کنم خانه یکی از دوستانم بودم. یادم می‌آید صدای پوتین‌ها را در تعطیلات در آفتاب^۳ می‌شنیدم و بعد گیتار مثل رعدوبرق با فرس وارد شد. لحظه‌ای که صدای لایدون وارد شد

سکس پیستولز تنها یک آلبوم^۴ منتشر کرد، اما همین آلبوم سوراخ بزرگی در تمام چیزهای مزخرفی که در موسیقی راک و اشتباهاتی که در جهان جاری بود ایجاد کرد. هیچ‌کس نتوانست با یک آلبوم چنین تأثیری بگذارد. می‌توانی تأثیرش را هم‌جا از جوی دیویزن^۵ تا گلزن روزز تا پابلو اسکوف^۶ تا اسمیتز و تا اسلیر^۷ ببینی. این آلبوم ریشه تمام چیزهایی است که در رادیو راک مدرن جریان یافت. جالب این که هیچ‌کس تا به حال نتوانسته با آن‌ها برابری کند.

این یک راز است که این افراد نتوانستند سازشان را بزنند. اگر نظر من را بخواهید استیو جونز^۸ یکی از بهترین گیتاریست‌های تمام دوران‌هاست. به من یاد داد که صدای گیبسون از مارشال باید چه‌طور بیرون بیاید. بل کوک^۹ درامر شگفت‌آوری بود با صدایی متمایز. همدرد با گیت مون^{۱۰} و جارلی وانو^{۱۱}. هنوز گروه‌هایی هستند که می‌خواهند مثل سکس پیستولز صدا بدهند و نمی‌توانند، چون آن‌ها نوازندگان فوق‌العاده‌ای بودند. فرق بین جان لایدون^۱ و خیلی از خوانندگان پانک دیگر در این است که آن‌ها فقط می‌توانند کاری که او به‌طور طبیعی می‌کرد را تقلید کنند.

دلم می‌خواست تمام گذشته‌ام را نابود کنم و چیزی نو برای خودم بسازم. این تصویر تأثیری است که همیشه بر من و موسیقی‌ام داشتند. هر بار که می‌خواهم چیزی خلق کنم، همیشه به سکس پیستولز مراجعه می‌کنم، چون به شما امکانات موسیقی را نشان می‌دهد. مجبور نیستی کاری را که سکس پیستولز کرد تقلید بکنی، ولی به آن‌ها فکر کن، می‌توانی آن را هر جا ببری. □

- Never mind the Bollocks, here comes the sex pistols. 1
- Joy Division 2
- Public Enemy 3
- Stayer 4
- Steve Jones 5
- Paul Cook 6
- Keith Moon 7
- Charlie Watts 8
- John Lydon 9
- Glen Matlock 10
- old Vicinos 11
- Holidays in the sun 12



Frank Zappa

By Trey Anastasio

فرانک زاپا، رهبر گروه گیتار الکتریک، یکی از هنرمندان برجسته و خلاقانه‌ترین موسیقی‌دانان معاصر است. او با سبک بی‌سابقه خود، مرزهای موسیقی را گسترش داد و با آثارش به چالش‌برانگیزترین آثار معاصر تبدیل شد.

در سال‌های اولیه فیش! مردم اغلب می‌گفتند ما مثل فرانک زاپا هستیم که گزیت‌فول دد! را ملاقات کرده که صدای خیلی غربی به نظر می‌رسد. ولی زاپا به عنوان آهنگساز و گیتاریست برای من حیاتی بود. به نظر من به‌جز جیمی هندریکس، زاپا بهترین نوازنده گیتار الکتریک است. زاپا به ساز به‌شویه کاملاً متفاوتی می‌اندیشید، چه از لحاظ ریتمیک، چه شیداری. هر مرزبندی روی گیتار را امتحان کرده بود.

هیچوقت زمانی که او را برای اولین بار در نیویورک دیدم فراموش نمی‌کنم. دیدارستان بودم هنگامی که رهبری گروه گیتار را روی پایمالش رها می‌کرد، درحالی‌که سیگار می‌کشید و قهوه می‌خورد به نوازنده کیبورد می‌گفت که یک ردیف را بزند و او را وارد گام می‌کرد و قدم می‌زد و گروو را راه می‌انداخت. تا زمانی که همه‌چیز کنار هم قرار نمی‌گرفت گیتارش را برنمی‌داشت. بعد زمانش می‌رسید - این نفس به‌هم پیوسته جمعیت - به‌سخت گیتار می‌رفت، برش می‌داشت و عالی‌ترین

و زیباترین سولو را می‌زد. وقتی می‌خواست در هماهنگی کامل با سازش بود. چیز جالب دیگری که در موردش وجود داشت این بود که فعل و انفعالش با درامرها بود. در بسیاری از نوازندگی‌های گیتار، درامز یک گروهی را وارد می‌کرد و بعد گیتاریست ریتمی را به یک گیتاریست دیگر یا کیبوردیست می‌داد. من زاپا را در برلینگتون، ورمانت در آخرین تورش در سال ۱۹۸۸ دیدم. سولوی فشرده‌های کج‌سوه! را می‌زد که تمام سازها بیرون رفتند به‌جز درامز چد و کرم! من در بالکن نزدیک کلبه من بودم. وقتی زاپا پشت‌گوش را به جمعیت کرد تا با چد بزند، این لیختن عظیم را در چهره‌اش دیدم. با هم می‌شکافتند و عالی بودند و او شاد و خوشحال بود.

این‌که زاپا را کسی بشناسیم که کارهای او کمتری مثل او کوبیده زرده! کرده آن وقت چیزهای زیادی در مورد او روشن می‌شود. تصور این‌که کسی در طول زندگی‌اش این همه کارهای متفاوت بکند، سخت است.

زاپا تأثیر زیادی در شیوه آهنگسازی من در فیش داشت. آهنگهایی مثل مار خودم لذت بهره! و دجا شو باز شو و ذوب شو! کاملاً طراخی شده است. درامز، ملودی‌های یاس، همه‌چیز، چون او به من نشان داد که امکان‌پذیر است. وقتی دو سال پیش با گروه ده نفره‌ام به بوتلرو! رفته بودیم دوتا آهنگ کلور زدیم. شیطان در جورجیا نازل شده! از چارلی دنیلز! و مسلاطین سولینگ! (از دایر استریتم!) در هر دو قسمت گیتار را هورن می‌زد. اگر اجرای زاپا از اپلنگلی به بهشت! را در برلینگتون ندیده بودم فکر این‌کار به ذهنم نمی‌رسید. او تمام سولوهای جیمی بیچ! را با هورن اجرا کرد.

این روزها دیگر آدم‌ها آن‌طور نیستند. در حال ضبط یک آلبوم جدید هستیم و نهاده‌کننده‌ای که با او کار می‌کنم می‌گفت که کل یک نسل از موزیسین‌ها که به‌وجود آمده‌اند بلد نیستند سازشان را بزنند. به خاطر کار کردن با ابزار کمکی! فکر می‌کنند می‌توانند در استودیو همه‌چیز را برایشان کنند. در

Split open and meet ۷

Bornaro ۸

Devil Went down to Georgia ۹

Charlie Daniels ۱۰

Gulfans of swing ۱۱

Diré Straits ۱۲

Gateway to heaven ۱۳

Jimmy page ۱۴

Pro tools ۱۵

همیشه، این‌ها یک‌سری ساز و ابزار هستند.
دامنه‌اش را پیدا کنید و شروع به نواختن کنید. □

Fliah ۱

Gratful Dead ۲

City of tiny lights ۳

Chad Wackeman ۴

The yellow shark ۵

You enjoy myself ۶

حالی که فرانک همواره موزیسین‌هایش را به مرز تمامی امکانات سازشان هل می‌داد، فیش به‌سختی تلاش می‌کند همین کار را بکند که سازهای مان را برداریم و تا آن‌جا که می‌توانیم از امکاناتش استفاده کنیم. بدون او این امکانات را حتی در رویا هم نمی‌دیدیم.

زایا به من این ایمان را داد که هر چیزی در موسیقی امکان‌پذیر است. او برای موزیسین‌های نسل من از کلیت موسیقی آسان‌زدایی کرد.



Hank Williams

By Beck

انتخاب کرد. هنک برخی یک ستاره واک را کرده، پر از توره نوشیدن و مشکلات زنان.

یک مجموعه ده آهنگ هنک ویلیامز روی صفحه سی‌دی به قیمت ۴۹۹ دلار نیز به دستم افتاد که قفل یک جعبه را باز کرده بودم. موسیقی‌اش با من حرف‌های بسیار زیادی می‌گفت اما فکر می‌کنم دلیل این‌که من به

آن‌ها عکس‌العمل نشان دادم این بود که خیلی سرمز و خوشترنگ صدا می‌داد. مثل هیچ چیز دیگری که تا به حال شنیده بودم نبود. این خیلی مهم است که هنک گیتار زن را از یک موزیسین

سیاه‌پوست یاد گرفته بود. هنک نهایت هیل‌بیلی^۱ است، ولی چیزهای دیگری در جریان است. تا مدت‌ها او تنها نظمه ارجاع من بود؛ سال‌ها ترانه‌هایش را کاور کردم، ولی اخیراً در تلاشی آگاهانه

آهنگ‌های هنک ویلیامز مثل صوت تله‌وا و هکت فریبکار تو^۲ برای اجرا عالی‌اند چون هیچ مزخرفتی توی آن‌ها نیست. کلمات، ملودی‌ها و احساسات همه آن‌جا هستند، دقیق، شفاف و حقیقی. برای وارد کردن یک ایده یا احساس در یک قطعه، سادگی و صرفه‌جویی لازم است. و... ال... بی‌تری از هنک ویلیامز وجود ندارد.

هنک صدایی داشت که خوب را می‌برد. رکوردهایش طوری صدا می‌داد که انگار از جای کاملاً متفاوتی از بدنش پرنلب می‌شود. صدایی بود که می‌توانست در مسئله‌های کنسار چاده بدون آمپلی‌فایر اجرا کند. می‌توانست صدای جمعیت بلرها را بشکند، مردمی که می‌نوشند و حرف می‌زنند. جامایی که می‌زد آن قدر سخت بود که یک کشتی‌گیر، کینشال نیکولز^۳، را برای نواختن بس

سمی کردم قطعات Son Change را به صراحت هنک بسازم.

امروزه بیش‌تر و بیش‌تر، آدم‌هایی را می‌بینم که درگیر موسیقی او می‌شوند. اوایل که آهنگ‌های او را می‌زدم از سروصدای مدلم جمعیت هنگام اجرا تکلمی می‌شد اما متوجه شدم که در ده سال اخیر کیفیت تسخیرکننده موسیقی هنک ویلیامز دوباره کشف شده است. حالا وقتی آن آهنگ‌ها را بیرون می‌کنم، به آن توجه درست می‌شود. مردم گوش می‌کنند. □

Lonesome Wines ۱

Your chestn heart ۲

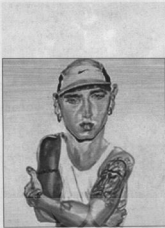
Cannobal Nichols ۳

Henry ۴

- V. fan like new style
- A. wanted
- F. signed at rock roll club
- X. started music
- F. gave to brother
- T. died old
- F. moved to country
- T. aged music
- O. was not

- مجلسه پایه و پایه ریسمان که در مایه
- دست به دست در صورت و بیلا کین از ریسمان
- ۲. want
- ۳. had money
- ۴. got to go
- ۵. couldn't see

به حال ریسمان ریسمان ریسمان ریسمان
 ریسمان ریسمان ریسمان ریسمان ریسمان
 از ریسمان ریسمان ریسمان ریسمان ریسمان
 ریسمان ریسمان ریسمان ریسمان ریسمان
 ریسمان ریسمان ریسمان ریسمان ریسمان
 ریسمان ریسمان ریسمان ریسمان ریسمان
 ریسمان ریسمان ریسمان ریسمان ریسمان
 ریسمان ریسمان ریسمان ریسمان ریسمان



Eminem

By Elton John

در سال های دهه نهمین مردم اغلب می گفتند ما
 می توانیم با مستعد که در مایه ریسمان
 گفته که مستعدی خیر در این مایه ریسمان
 در مایه ریسمان ریسمان ریسمان ریسمان

کاری را می کند که دین می کرد، درباره احساسات
 می نویسد. عضلاتش، امیجی پذیری و طنزش، به این
 دلیل است که به شعر امینم گوش می گویم و
 می خواهم بفهمم بعداً چه غلطی می خواهد بکند.
 امینم موسیقی را زندگی می کند، می خواند او
 نفس می کند. از این لحاظ شبیه خود من است.
 حسلی میزوی است. نه نظرم مشغول کاری که
 می کند شده است؛ به طور صمیمانه ای درگیر هنرش
 شده است. پیرامونش الفسانه شکل گرفته است.
 در باره اش زیاد نمی دانیم. در بازار امروز که در مورد
 هر احمقی همه چیز می دانیم، این غیر معمول است.
 از اول تفکر امینم را تحسین می کردم، برای
 همین به رغم حرف های مبهملی که درباره
 هوشی و هیواییک بودنش و سخرفرات دیگر می گفتند
 وقتی از من پرسیدند، دلم می خواستم در گرمی با او

ظاهر شوم. بگذار بوی جورج آما و جورج مایکل های
 جهان که آن قدر هوش ندارند که هوش او را ببینند با
 او سر قوز بیفتند.
 امینم آن قدر وجودش را داشت که آن چه حس
 می کند را بگوید و چیزهای زشت و اهانت آور را با مزه
 جلوه دهد. امروزه وجود او در آمریکا که مردم
 پوزر بند زده و مسخره هنرمندانی ضایع می شوند،
 بسیار ضروری است. هنرمندانی مثل امینم که از
 آزادی بیان برای بارگویی نکته ای استفاده می کنند
 به طوری حیاتی مهم هستند، در دنیا نظیر امین
 افرادی که این همه وجود و استعداد عالی داشته
 باشند زیاد نیست. □

Slam ۱
 Boy George ۲



Radiohead

By Dave Matthews

انجام دهد و این سزا قویتر می‌کند.

واکنش من نسبت به ری‌دیوهد به سادگی حالات نیست. حالات فقط می‌سوزاند؛ ری‌دیوهد نور آتش می‌زند. ولی اگر فقط این بود بر نمی‌گشتم و بارها و بارها به آلبوم‌های شان گوش نمی‌کردم. گوش کردن به ری‌دیوهد به من جسی شیبه به مگالیری^۲ در برابر موزیکال را می‌بخشد. اشعار یورک با من کاری می‌کند که دلم می‌خواهد موسیقی را رها کنم. من در شورانگیزترین رویاهایم هم نمی‌توانم چیزی به زیبایی آنچه آن‌ها در یک قطعه به آن دست یافتند پیدا کنم. آلبوم پس از آلبوم به کنار، و هر بار انگشت‌شان را به سمت مطبوعات و مستقدان اشاره می‌روند و می‌گویند: «هیچ کارمان برای شما نیست» آن‌ها Radiohead را نه از طرف منتقدان یا تحسین فراوانی رویه‌رو شده بود با شدیدترین تمیز دنبال کردند، Kid A این طور نیست که بی‌قید

هر بار که یک آلبوم ری‌دیوهد می‌خرم، با خودم می‌گویم شاید این یکی دیگه خوب نشسته ولی هیچ وقت این اتفاق نمی‌افتد. نمی‌دانم اصلاً برای خودشان این امکان وجود دارد که بد باشند یا نه؟ گفتن این که موسیقی ری‌دیوهد چنگک دارد آن‌ها را کم‌ارزش می‌کند. موسیقی آن‌ها به روشی واقعی با تو حرف می‌زند. می‌تواند قبل از این که بسا موسیقی زیبایی بر سرت بپوشد، تو را به خیابان ساکنی ببرد. می‌تواند چیزی بسازد که احساس کنی همچیز زیر وزن خودش خرد خواهد شد و بعد تمام یورک! ملودی‌ای می‌خواند که قلبت را از سینما بیرون می‌کشد. نطاطی در Kid A وجود دارد که به من احساسی گلاستروپوبیک^۲ می‌دهد. انگار در سبکلی از سیم‌خاردار کبیر تدردها و بعد پندخدها می‌اشتم و کنار استخری نشستام و پرتندها می‌خوانند. ری‌دیوهد می‌تواند این کار را در یک لحظه

باشند بلکه قدرت کاراکتر موسیقی‌شان از کنترل آن‌ها خارج است.

بدن اجرای آن‌ها حتی مرا عصیانی‌تر می‌کند. هر چه قدر هم که در اجراها خود را رها می‌کنند، باز وضوح و روشنی‌شان را از دست نمی‌دهند. هیچ لحظه‌ای وجود ندارد که جانی گرین وود^۱ یا اد ایراین^۲ ناگهان سربلند کنند و بگویند: «الان کدام جهنمی هستیم؟» هیچ پای لنگی در ری‌دیوهد نیست. تمام آلبوم‌ها و اجراها فریبنده و وحشیانه هستند. خدایا، این چندتا آدم با واقعاً رنج کشیده‌اند یا این که طوری جعل می‌کنند که هیچ‌کس نمی‌تواند.

۱. Thom Yorke
۲. Claudio Phobic

۳. Sallen

۴. Jonny Greenwood

۵. Ed O'Brien